


The position of ethics in the resistance economy model

Mohammad Bidar ¹

1. Assistant Professor of the Department of Economics,
Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.
bidar.mohamad@yahoo.com

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article  Received: 2024.04.20 Accepted: 2024.05.21	<p>The religion of Islam has a special sensitivity to the dignity and independence of the Islamic society and the honorable life of Muslims. Economic independence is considered one of the important aspects of Islamic society's dignity. In order to achieve economic independence in the current situation where the Islamic Republic of Iran is facing oppressive economic sanctions, the Supreme Leader proposed the idea of a resistance economy. Based on library studies and descriptive-analytical method, this article examines the position of ethics in the resistance economy and chooses the ethics of the resistance economy model as the hypothesis of the research. In order to prove the hypothesis of the research, the relationship between seven ethical concepts (jihadi motivation, justice, honesty, patience, tolerance, moderate consumption and work conscience) with resistance economy has been presented. The findings of the research show that the implementation of the resistance economy model is dependent on the creation and strengthening of economic, administrative, legal and ethical structures in accordance with it, and the moral values of Islam play a fundamental role in the realization of the components and policies of the resistance economy.</p>
Keywords	Islamic ethics, economic ethics, Islamic economy, resistance economy, economic sanctions.
Cite this article:	Bidar, Mohammad (2024). The position of ethics in the resistance economy model. <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i> . 17 (1). 135-158. DOI: https://doi.org/10.22034/17.63.7
DOI:	https://doi.org/10.22034/17.63.7
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

مكانة الأخلاق في نموذج الاقتصاد المقاوم

محمد بيدار^١

١. أستاذ مساعد في قسم الاقتصاد، مؤسسة الامام الخميني للتعليم والابحاث، قم، ايران.

bidar.mohamad@yahoo.com

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	الدين الإسلامي يولي اهتماماً خاصاً بعزّة واستقلال المجتمع الإسلامي وحياة المسلمين الكريمة. يُعتبر الاستقلال الاقتصادي أحد الأبعاد المهمة لعزّة المجتمع الإسلامي. وفي ظل الظروف الحالية التي تواجه فيها الجمهورية الإسلامية الإيرانية عقوبات اقتصادية ظالمة، طرح القائد الأعلى فكرة الاقتصاد المقاوم. تستند هذه الدراسة إلى البحث في المصادر الموجودة في المكتبات وبالأسلوب الوصفي - التحليلي، حيث تدرس مكانة الأخلاق في الاقتصاد المقاوم، وتختار الأخلاق كأساس لنموذج الاقتصاد المقاوم كفرضية للبحث. من أجل إثبات فرضية البحث، تم تقديم كيفية ارتباط سبع مفاهيم أخلاقية (الدافع الجهادي، العدالة، الصدق، الصبر، المشاركة، الاستهلاك المعتدل، والضمير المهني بالاقتصاد المقاوم. أظهرت نتائج البحث أن تنفيذ نموذج الاقتصاد المقاوم يعتمد على إنشاء وتعزيز الهياكل الاقتصادية والإدارية والقانونية والأخلاقية المناسبة، وأن القيم الأخلاقية في الإسلام تلعب دوراً أساسياً في تحقيق مكونات وسياسات الاقتصاد المقاوم.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٥/١٠/١١	
تاريخ القبول: ١٤٤٥/١١/١٢	
الألفاظ المفتاحية	الأخلاق الإسلامية، الأخلاق الاقتصادية، الاقتصاد الإسلامي، الاقتصاد المقاوم، العقوبات الاقتصادية.
الاقتباس:	بيدار، محمد (١٤٤٥). مكانة الأخلاق في نموذج الاقتصاد المقاوم. مجلة علمية النشرة الأخلاقية. ١٧ (١). ١٥٨ - ١٣٥.
رمز DOI:	DOI: https://doi.org/10.22034/17.63.7
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.



پژوهش‌های نام‌اخلاق

نشریه علمی

سال ۱۷، بهار ۱۴۰۳، شماره ۶۳

جایگاه اخلاق در الگوی اقتصاد مقاومتی

محمد بیدار^۱

۱. استادیار گروه اقتصاد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

bidar.mohamad@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۱۵۸ - ۱۳۵)	دین اسلام بر عزت و استقلال جامعه اسلامی و زندگی شرافتمندانه مسلمانان حساسیت خاصی دارد. استقلال اقتصادی، یکی از وجوه مهم عزت جامعه اسلامی محسوب می‌گردد. مقام معظم رهبری برای نیل به استقلال اقتصادی در شرایط فعلی که جمهوری اسلامی ایران با تحریم‌های ظالمانه اقتصادی مواجه است، ایده اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند. این نوشتار بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی، جایگاه اخلاق در اقتصاد مقاومتی را بررسی کرده و اخلاق‌مداری الگوی اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان فرضیه پژوهش برگزیده است. برای اثبات فرضیه تحقیق، نحوه ارتباط هفت مورد از مفاهیم اخلاقی (انگیزه جهادی، عدالت، صداقت، صبر، مواسات، مصرف اعتدالی و وجدان کاری) با اقتصاد مقاومتی، ارائه گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اجرای الگوی اقتصاد مقاومتی، مرهون ایجاد و تقویت ساختارهای اقتصادی، اداری، حقوقی و اخلاقی متناسب با آن بوده و ارزش‌های اخلاقی اسلام نقش بنیادین در تحقق مؤلفه‌ها و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دارند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱	
واژگان کلیدی	اخلاق اسلامی، اخلاق اقتصادی، اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی، تحریم اقتصادی.
استناد:	بیدار، محمد (۱۴۰۳). جایگاه اخلاق در الگوی اقتصاد مقاومتی. پژوهش‌نامه/اخلاق. ۱۷ (۱). ۱۵۸ - ۱۳۵. DOI: https://doi.org/10.22034/17.63.7
کد DOI:	https://doi.org/10.22034/17.63.7
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

طرح مسئله

دین اسلام بر عزت جامعه اسلامی و زندگی شرافتمندانه مسلمانان تأکید دارد. قرآن کریم با منکر دانستن سلطه‌پذیری مسلمانان (نساء / ۱۴۱) به لزوم آمادگی همه‌جانبه در مقابل توطئه‌های دشمنان فرمان می‌دهد. (انفال / ۶۰) پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بر تفوق اسلام بر سایر ملت‌ها تأکید کرده‌اند. (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳: ۴ / ۳۳۴) فقها معاملاتی مانند فروش قرآن به کافر را با استناد به قاعده قرآنی «نفی سبیل» باطل دانسته‌اند. با تتبع مختصری در منابع دینی می‌توان دریافت که آموزه‌های اسلامی بر عزت و اقتدار جامعه اسلامی در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی، امنیتی، بهداشتی و ... به عنوان یک اصل اساسی خدشه‌ناپذیر تأکید دارند.

اهمیت قدرت اقتصادی و رابطه آن با سایر حوزه‌های اقتدار، بسیار روشن است. اقتدار اقتصادی یکی از ابزارهای راهبردی کسب عزت و استقلال تمامی جوامع، از جمله جامعه اسلامی به شمار می‌رود. بنابراین اگر دشمنان بخواهند از طریق مسائل معیشتی و تحریم‌های اقتصادی، امت اسلامی را تحت فشارهای ظالمانه خود قرار بدهند، بر دولتمردان و عموم مسلمانان لازم است تدابیر مناسبی در برابر چنین ترفندهای شیطانی اتخاذ کرده، اقتدار اقتصادی و به تبع آن، اقتدار سیاسی و استقلال جامعه اسلامی را حفظ کنند و ارتقا بخشند.

جمهوری اسلامی ایران چندین سال است در فعالیتهای بین‌المللی اقتصادی خود با تحریم‌های زیادی مواجه است که سابقه آن به اوایل انقلاب اسلامی برمی‌گردد. آمریکا در سال ۱۳۵۸ به بهانه تسخیر لانه جاسوسی، تحریم‌های یک‌جانبه‌ای از قبیل ممنوعیت مبادلات تجاری بین ایران و آمریکا، ممنوعیت واردات نفت از ایران و ... را اعمال کرد. در دوران جنگ تحمیلی و پس از آن نیز روند صعودی تحریم‌های آمریکا همچنان ادامه داشت و اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل با همراهی کشورهای جنوب شرق آسیا و حاشیه خلیج فارس نیز تحریم‌هایی وضع کردند. همچنین تحریم‌های جدیدی درباره بانک مرکزی، بانک‌های تجاری، صادرات نفت و مسدود شدن دارایی‌های دولت ایران در بانک‌های خارجی، اضافه شد. (ایرانمنش و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۹۶ - ۲۵۷)

طبیعی است تحریم‌های اقتصادی به‌دلیل محرومیت از نتایج حضور آزاد در بازارهای جهانی، آثار زیان‌باری در فعالیتهای اقتصادی کشور داشت و برون‌رفت از آن، نظریه‌پردازی نوآورانه‌ای را می‌طلبید. در همین راستا مقام معظم رهبری ایده اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان واکنش بسیار مناسبی در برابر تحریم‌ها مطرح کردند.

طراحی اقتصاد مقاومتی و تحقق سیاست‌های آن، نیازمند توجه به اصول و مبانی الهیاتی،

هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی و روش‌شناختی آن می‌باشد. بنابراین نباید از نقش آموزه‌های اخلاقی اسلام در تحقق اقتصاد مقاومتی غفلت کرد. اقتصاد مقاومتی الگویی اخلاق‌محور است و موفقیت آن بدون توجه به مؤلفه‌های تربیتی امکان‌پذیر نیست.

این تحقیق، جایگاه ممتاز اخلاق در اقتصاد مقاومتی را بررسی می‌کند و برای اثبات ضرورت اخلاق‌مداری در تحقق اقتصاد مقاومتی (فرضیه تحقیق)، با مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی، نقش برخی مؤلفه‌های اخلاقی همچون انگیزه جهادی، عدالت، وجدان کاری، صداقت، صبر، مصرف اعتدالی و مواسات را در تحقق مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی توضیح می‌دهد.

الف) پیشینه تحقیق

درباره اقتصاد مقاومتی، آثار علمی متعددی نگاشته شده؛ از میان آنها به آثاری اشاره می‌گردد که به‌طور خاص به رابطه اخلاق با اقتصاد مقاومتی پرداخته و جزو پیشینه مستقیم تحقیق محسوب می‌شوند.

معصومی‌نیا و سبحانیان (۱۳۹۱) در مقاله «تأثیر ارزش‌های اخلاقی اسلام بر تخصیص اقتصادی» ارزش‌های اخلاقی - اسلامی را دست‌نامرئی اقتصاد اسلامی دانسته و در مقام مقایسه آن با دخالت دولت به‌منظور حل مشکلات اقتصادی، مواردی همچون تحمیل نکردن هزینه بر جامعه، تعالی روح انسانی و دوام و استمرار را از مزایای توجه به ارزش‌های اخلاقی برشمرده‌اند. آنان به نقش برخی از آموزه‌های اخلاقی همچون انجام واجبات و ترک محرمات، اعتدال، قناعت، شکرگزاری، عدل، انصاف و احسان در رفتارهای مصرفی در سطح خرد و کلان پرداخته و مواردی همچون رعایت اتقان، زهد، پرهیز از کنز، باور به برکت و روزی‌مقدر را به‌عنوان ارزش‌های اخلاقی مؤثر بر تولید، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بررسی کرده‌اند. نویسندگان مقاله بدین نتیجه رسیده‌اند که آموزه‌های اخلاقی که اسلام در زمینه‌های اقتصادی بیان کرده، به‌دلیل منحصربه‌فردبودن قسمت عمده آنها، می‌تواند زمینه‌ساز یک نظام اقتصادی ویژه باشد.

اختری (۱۳۹۲) در کتاب **اقتصاد مقاومتی؛ زمینه‌ها - راهکارها** مباحثی را پیرامون بایدهای مربوط به منابع تولید و ثروت، مصرف و توزیع، مطرح کرده است. ایشان بخش پایانی کتاب را به بایدهای مدیریتی در اقتصاد مقاومتی اختصاص داده و در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، بر اجرای برخی طرح‌های ملی و مردمی اخلاق‌محور همچون قناعت و خوداتکایی، تحمل سختی‌ها و قدرت‌آفرینی و انفاق‌های عمومی و تعاون همگانی، تأکید کرده است.

میرمعزی (۱۳۹۴) در مقاله «الگوی رفتار تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی» با تأکید بر رکن مردم‌بنیادی اقتصاد مقاومتی و نقش اصیل مردم در عرصه تولید، به این پرسش پاسخ می‌دهد که تولیدکننده در

اقتصاد مقاومتی، چه چیزی را و چگونه تولید می‌کند. ایشان از روحیه جهادی تولیدکنندگان به‌عنوان یک ویژگی مهم اخلاقی نام برده و معتقد است تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی بهتر است برای استخدام عوامل تولید، از روش مشارکت در سود استفاده کند تا حداکثر تولید را با بیشترین سود به دست آورد. چنانچه استفاده از روش مزبور به هر دلیلی ممکن نشد، تولیدکننده جهادگر، تولید خود را با قید دستیابی به حداقل سود مورد نیاز به حداکثر می‌رساند.

زارع و اکبری (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی مؤلفه‌های اخلاق در اقتصاد مقاومتی» ضمن اشاره به اهمیت اخلاقیات اقتصادی و نقش آن در تحقق اقتصاد مقاومتی، سه مقوله زیست‌محیطی، قیمت‌گذاری رقابتی، و ارتقای کیفیت کالاها و خدمات داخلی را به‌عنوان موارد اخلاقی مرتبط با اقتصاد مقاومتی بررسی کرده‌اند.

عزیزی و نوروزی (۱۴۰۰) در مقاله «اخلاقیات در اقتصاد مقاومتی» معیار قرار دادن مسائل اخلاقی را شرط موفقیت برنامه‌ها، سیاست‌های کلی و استراتژی‌ها دانسته و بر ضرورت رعایت اخلاق در جامعه به‌منظور تضمین منافع بلندمدت در سایه اتخاذ تصمیمات خردمندانه تأکید کرده‌اند.

فتحعلیانی، حسینی و احتشامی (۱۴۰۰) در مقاله «جستاری در جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی با محوریت اخلاق اقتصادی» اهمیت جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی را از دیدگاه قرآن و روایات بیان کرده و سپس با نگاهی گذرا به مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی اسلام در حوزه‌های سه‌گانه اقتصاد، به کاربرد آموزه‌های دینی در بخش‌های اقتصادی پرداخته‌اند.

رجایی (۱۴۰۲) در مقاله «درآمدی بر شاخص‌های اقتصاد مقاومتی» با استخراج معیارها و سنجه‌های هرکدام از مؤلفه‌های پنج‌گانه اقتصاد مقاومتی (حرکت جهادی، دانش‌بنیانی، مردمی‌سازی، درون‌زایی و عدالت‌محوری)، زمینه را برای هدف‌گذاری در برنامه‌های پنج‌ساله پیشرفت کشور بر اساس اقتصاد مقاومتی هموارتر کرده است. در میان مؤلفه‌های مزبور، دو مؤلفه حرکت جهادی و عدالت‌محوری، مؤلفه‌های اخلاقی به شمار می‌روند. ایشان برای مؤلفه حرکت جهادی، سه شاخص خلوص و قصد قربت، تلاش مستمر و استقامت و پایداری، و برای مؤلفه عدالت‌محوری، دو شاخص کفاف و نسبت انفاقات به ظرفیت انفاق جامعه را برگزیده است.

تفاوت عمده پژوهش پیش رو با تحقیقات قبلی این است که تحقیقات مزبور، نقش مؤلفه‌های اخلاقی در اقتصاد مقاومتی را تبیین نکرده، بلکه برخی از مباحث اخلاقی را در کنار سایر مباحث مرتبط با اقتصاد مقاومتی مطرح کرده‌اند. مزیت این مقاله این است که رابطه مستقیم مؤلفه‌های اخلاقی اسلام با اقتصاد مقاومتی را از دیدگاه اقتصاد خرد و کلان بررسی می‌کند.

ب) مفاهیم

به منظور تبیین جایگاه اخلاق در اقتصاد مقاومتی، توضیحاتی پیرامون دو اصطلاح «اخلاق» و «اقتصاد مقاومتی» که کلیدی‌ترین واژگان این پژوهش هستند، مطرح می‌گردد.

۱. اخلاق

«اخلاق» واژه‌ای عربی و جمع «خُلُق» به معنای طبع و سبیه است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۸۶) درباره معنای اصطلاحی اخلاق از جهت قلمرو موضوع آن، دو دیدگاه عمده وجود دارد.

دیدگاه اول: صفات نفسانی

در این دیدگاه که به «اخلاق فضیلت»^۱ موسوم است، صفات درونی انسان اصالتاً به ارزش‌های اخلاقی متصف می‌شود و علم اخلاق، ارزش و لزوم همان صفات نفسانی را بیان می‌کند. رفتارهای انسان نیز از آن جهت ارزش‌گذاری اخلاقی می‌شوند که وسیله‌ای برای تحقق صفات مزبور در انسان بوده و از آثار آن صفات محسوب می‌گردند. (مصباح، ۱۳۸۲: ۲۷) طبق این دیدگاه، علم اخلاق به «دانشی که از ارزش صفات و رفتارهای اختیاری انسان و لازم بودن آنها برای انسان سخن می‌گوید»، تعریف می‌گردد. (همان، ۱۹) گفتنی است دیدگاه مزبور با توجه به پایداری و ناپایداری صفات درونی، به دو قسم تقسیم می‌شود.

الف) صفات نفسانی پایدار

صفات نفسانی پایدار، خُلُق را به معنای هیئت ثابت و پایدار نفسانی (ملکه) می‌داند که در نفس انسان رسوخ کرده، باعث می‌شود افعال جوارحی مطابق با مقتضای آن صفت، به آسانی و بدون نیاز به تأمل یا تردید و بدون هیچ‌گونه کشمکش درونی، از انسان صادر شود. (نراقی، ۱۳۸۳: ۱ / ۲۲؛ شبر، ۱۳۸۱: ۳۱) فطری و ذاتی بودن آن صفت یا حصول آن در اثر تکرار عمل، تغییری در مفهوم خُلُق ایجاد نمی‌کند. (مصباح، ۱۳۷۳: ۹) گفتنی است این تعریف، از محدوده حذاقلی در حوزه فعالیت‌های اخلاقی برخوردار است؛ زیرا بر اساس آن، کاری که بدون تبدیل شدن به ملکه نفسانی پایدار از انسان سر بزند، کار اخلاقی محسوب نمی‌گردد؛ مثلاً تنها کسی را می‌توان سخاوتمند دانست که در بخشش به دیگران هیچ تردیدی نداشته، انجام این کار برایش دشوار جلوه نکند و چنانچه همراه با تأمل و کشمکش درونی به بخشش مبادرت کند، همچنان بخیل است و هنوز متصف به سخاوت نشده است.

ب) مطلق صفات نفسانی

دیدگاه مطلق صفات نفسانی، موضوع علم اخلاق را اعم از فضایل و رذایل پایدار و ناپایدار و همچنین اعم از صفات نفسانی درونی و بیرونی می‌داند. طبق این اصطلاح، اخلاقی بودن کار، اختصاص به ملکه شدن آن ندارد، بلکه کارهای زودگذر و ناپایدار نیز که شخص در انجام آنها دچار کشمکش درونی شود، اخلاقی قلمداد می‌گردند؛ مثلاً اگر شخص بخیلی برخلاف طبیعت خود احياناً بخششی انجام داد، دارای خلق سخاوت محسوب می‌گردد. این تعریف با توجه به وسعت شمول صفات و افعال اخلاقی، از دامنه حداکثری برخوردار است.

دیدگاه دوم: فضایل و رذایل مربوط به رفتار

این دیدگاه که «اخلاق وظیفه یا عمل»^۱ نامیده می‌شود، ارزش‌های اخلاقی را صرفاً ناظر به رفتارهای انسان دانسته، علم اخلاق را تنها بیانگر ارزش و لزوم رفتارها معرفی می‌کند و هدف انحصاری علم اخلاق را تصحیح خود رفتارها می‌داند. (مصباح، ۱۳۸۲: ۲۷) این تعریف، رابطه بین نیت و عمل اخلاقی را منتفی دانسته و رابطه آن را با سجایا و صفات باطنی انسان قطع کرده است. چنین تعریفی که به لحاظ قلمرو شمول اخلاقیات، از حد متوسط برخوردار است، از قول برخی دانشمندان غربی است؛ به طور نمونه، ژکس^۲ (۱۳۶۲: ۹) علم اخلاق را به «تحقیق در رفتار آدمی بدان گونه که باید باشد» تعریف کرده است. (ژکس، ۱۳۶۲: ۹) گفتنی است در این مقاله، از میان دیدگاه‌هایی که درباره محدوده موضوعات اخلاقی بیان شده است، دیدگاه حداکثری آن (مطلق صفات نفسانی) انتخاب می‌گردد.

۲. اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن

اقتصاد مقاومتی در تقابل با اقتصاد سلطه‌پذیر قرار دارد. ایده اقتصاد مقاومتی را اولین بار مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ در دیدار با جمعی از کارآفرینان سراسر کشور مطرح کردند. ایشان در این دیدار به تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی دشمنان بر ضد جمهوری اسلامی ایران اشاره، و برای مقابله با فشارهای اقتصادی استکبار جهانی، اصطلاح «اقتصاد مقاومتی واقعی» را بیان کردند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۶/۱۶). مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های بعدی با تأکید بر ضرورت، اهداف، مؤلفه‌ها و شیوه‌های اجرای اقتصاد مقاومتی، به تبیین و تکمیل ادبیات این اندیشه مهم اقتصادی پرداختند. ایشان در سال ۱۳۹۲ بندهای ۲۴ گانه «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» را به عنوان یک الگوی بومی و علمی برآمده از فرهنگ اسلامی و انقلابی و به مثابه یک تدبیر اقتصادی بلندمدت، برای اجرا به نهادها و سازمان‌های مسئول

1. Ethics of Duty.

2. Gex.

ابلاغ کردند و پس از آن، تحقق بندهای مزبور به عنوان متغیر شاخص در تنظیم و تصویب قوانین و مقررات کشور، مورد توجه قرار گرفت.

مقام معظم رهبری برای تبیین صحیح الگوی اقتصاد مقاومتی و جلوگیری از برداشت‌های انحرافی، مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی را به مثابه ارکان آن توضیح داده‌اند که عبارت‌اند از: رویکرد جهادی، دانش‌بنیانی، مردم‌بنیادی، اصلاح الگوی مصرف، امنیت اقلام راهبردی، کاهش وابستگی به نفت، فسادستیزی (همو، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)، عدالت‌محوری، درون‌زایی و برون‌نگری (همو، ۱۳۹۳/۱/۱).

هدف نهایی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، مقاوم‌سازی اقتصاد و کاهش اثرپذیری منفی آن در برابر آسیب‌های داخلی و بحران‌ها و خصومت‌های خارجی است. بنابراین تحقق اقتصاد مقاومتی مستلزم استفاده شایسته از فرصت‌های جهانی و فعال کردن تمامی ظرفیت‌های بالقوه داخلی می‌باشد. اقتصاد مقاومتی در شبکه‌ای پویا از اقتصاد جهانی معنی می‌یابد که به دنبال تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آنها طبق جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی است. تأکید مقام معظم رهبری بر مقوله‌هایی همچون تولید، نوآوری، کارآفرینی، خطرپذیری و فتح قله‌های اقتصادی، بر فعال بودن اقتصاد مقاومتی دلالت می‌کند. نتایج پویایی اقتصاد مقاومتی این است که اولاً، اقتصاد مقاومتی، اقتصادی جزیره‌ای، منفعل و منزوی نیست، بلکه یک حرکت جهادی فعال است که به منظور مقاوم‌سازی اقتصاد و کاهش آسیب‌پذیری در مقابل تهدیدها، نه تنها روند پیشرفت کشور را متوقف نمی‌کند، حتی بر سرعت آن می‌افزاید؛ (همو، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲) ثانیاً، اقتصاد مقاومتی با اقتصاد ریاضتی تفاوت دارد. اقتصاد ریاضتی در وضعیت انفعالی و پدافندی قرار دارد و بر مصرف کمتر به منظور خروج از مشکلات و بحران‌ها تأکید می‌کند؛ اما اقتصاد مقاومتی ترکیبی از آفند و پدافند اقتصادی است و اساس آن بر تولیدمحوری استوار است؛ هرچند که مصرف بهینه نیز نقش مهمی در آن ایفا می‌کند.

ج) مبانی نظری تحقیق

مبانی، پایه‌های اصلی پژوهش است و نقش مهمی در یافتن نتایج تحقیق ایفا می‌کند. تفاوت نظریات علمی به تفاوت در زیربناهای بنیادین آنها مربوط می‌گردد. هرگونه اظهارنظری بدون ژرف‌کاوی در زوایای گوناگون مبناشناختی با نوعی کاستی همراه است. بنابراین به مبانی نظری جایگاه اخلاق در اقتصاد مقاومتی اشاره می‌شود.

۱. اثباتی و دستوری بودن اقتصاد

دانش اقتصاد جزو دانش‌های «اثباتی - دستوری» است.

یکی از مبانی این تحقیق، به محدوده دانش اقتصاد و شمول آن به گزاره‌های اثباتی و دستوری مربوط می‌شود. تفکیک گزاره‌های اقتصادی به دو گروه اثباتی و دستوری، از تقسیم‌بندی‌های شایع در ادبیات اقتصادی است. برخی اقتصاددانان، درباره چنین کاربردهای صرفاً معناشناختی و فلسفی نگرانی ندارند؛ اما تمایز بین اثباتی و دستوری، امروزه نقش قابل ملاحظه‌ای در مباحث اقتصادی ایفا می‌کند. (مک‌لاپ،^۱ ۱۳۸۱: ۱۸۴ - ۱۵۱)

اقتصاد اثباتی^۲ به توصیف، تبیین و پیش‌بینی رفتارهای اقتصادی در وادی واقعیت‌ها می‌پردازد؛ اما اقتصاد دستوری^۳ به مقوله مصلحت‌ها و توصیه‌های اقتصادی توجه دارد. اقتصاد دستوری، اهداف نهایی فردی و اجتماعی را در حوزه اقتصاد، مدنظر قرار داده و اقتصاد اثباتی، ابزار و وسایل لازم برای نیل به اهداف مزبور را مشخص می‌کند. (تمدن، ۱۳۸۹: ۸)

درباره ماهیت اثباتی یا دستوری اقتصاد، سه دیدگاه وجود دارد. برخی، محتوای اقتصاد را منحصر در گزاره‌های اثباتی می‌دانند. نئوکلاسیک‌ها با اتکا به روش‌شناسی اثبات‌گرایانه، اقتصاد دستوری را علم نمی‌دانند و آن را از محدوده اقتصاد خارج می‌سازند. اقتصاددانانی همچون رابینز،^۴ فریدمن،^۵ لیپسی،^۶ هاجیسون^۷ و بوکانان^۸ معتقدند اقتصاد باید صرفاً با گزاره‌های اثباتی سروکار داشته باشد. (دادگر، ۱۳۸۴: ۱۹۹) سنیر^۹ وظیفه اقتصاددان را صرفاً شناسایی و تبیین قوانین عام و اجتناب از توصیه و مشاوره می‌داند (Hutchison, 1964, 32) در مقابل، برخی دیگر اقتصاد اثباتی را زاییده سوءتفاهم دانسته، با استناد به ناممکانی بی‌طرفی اخلاقی و اشتغال تمامی آرای اقتصادی بر ارزش‌گذاری‌های اخلاقی، اقتصاد را صرفاً دارای هویت هنجاری می‌دانند. (همایون، ۱۳۷۴: ۱۴۹) دیدگاه سوم، هردو دیدگاه فوق را افراطی می‌داند و معتقد است دانش اقتصاد علاوه بر بخش اثباتی که رابطه علی و معلولی بین متغیرهای اقتصادی را بیان می‌کند، بخش توصیه‌ای نیز دارد. ارائه رهنمودها و مشورت‌های مناسب اقتصادی به دولتمردان، بر دوش اقتصاددانان گذاشته شده و هیچ حرفه علمی دیگری متکفل انجام چنین وظیفه‌ای نیست. (دادگر، ۱۳۸۴: ۲۰۰)

دیدگاه سوم، معقول و متعادل به نظر می‌رسد. طبق این دیدگاه، اقتصاد هویت ترکیبی دارد و در زمره

1. Machlup. F.

2. Positive Economic.

3. Normative Economic.

4. Robbins.

5. Friedman.

6. Lipsey.

7. Hutcheson.

8. Buchanan.

9. Senior, N. W.

«علوم توصیفی - دستوری» قرار می‌گیرد. بر اساس دیدگاه سوم، می‌توان از جایگاه اخلاق در اقتصاد مقاومتی سخن گفت؛ زیرا مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی به‌لحاظ اثباتی و دستوری، ماهیت ترکیبی دارند. مؤلفه‌هایی همچون دانش‌بنیانی، مردم‌محوری، درون‌زایی، برون‌گرایی و کاهش وابستگی به نفت، دارای ماهیت اثباتی، و مؤلفه‌های عدالت‌طلبی، روحیه جهادی، فسادستیزی و اصلاح الگوی مصرف، دارای ماهیت دستوری هستند.

در پایان این بحث، توجه به دو نکته ضرورت دارد.

نکته اول: تفکیک اقتصاد به اثباتی و دستوری، مبتنی بر تفکیک واقعیت‌ها از ارزش‌ها نیست. توضیح اینکه، دیدگاه رایج در اقتصاد متعارف، ارزشی بودن گزاره‌های اقتصاد دستوری را ملاک تمایز آن از گزاره‌های اقتصاد اثباتی بیان کرده و همان را مبنای تفکیک اقتصاد به اثباتی و دستوری می‌داند. هیوم^۱ و رابینز از طرفداران اصلی این دیدگاه هستند. در مقابل، اقتصادپژوهان دیگری وجود دارند که ضمن پذیرش تفکیک اقتصاد به اثباتی و دستوری، به تفکیک واقعیت از ارزش اعتقاد ندارند. یونگرت^۲ با مطالعه تاریخی درباره تفکیک اقتصاد به اثباتی و دستوری، و تفکیک واقعیت از ارزش، نتیجه گرفته که تمایز اقتصاد اثباتی از دستوری، به‌دلیل تخصص‌گرایی در علوم، امری مقبول و پسندیده است، اما به‌هیچ‌وجه متأثر از تمایز واقعیت از ارزش نیست. ایشان معتقد است تمایز بین گزاره‌های اثباتی و دستوری از زمان‌های قدیم به‌دلیل تخصصی شدن مباحث وجود داشته؛ حال آنکه تمایز واقعیت از ارزش به‌صورت گسترده را در سال ۱۹۳۲ رابینز مطرح کرده است. (یونگرت، ۱۳۸۶: ۱۸۰ - ۱۴۹) گفتنی است که عمده اقتصاددانان لیبرالیستی کوشیده‌اند نظریات علمی خود را در قالب گزاره‌هایی عاری از ارزش نشان بدهند، اما ناخودآگاه، نظریه‌هایشان را در بستری مملو از ارزش‌های اخلاقی مطرح کرده‌اند. نظریه‌های «تئوری اقتصاد رفاه» و «تئوری انتخاب عمومی» نمونه‌هایی از آنها به شمار می‌روند.

نکته دوم: تفکیک گزاره‌های اقتصادی به اثباتی و دستوری، به معنای ارتباط نداشتن آنها نیست. برخی فلاسفه اقتصاد با اعتقاد به جداسازی بسیار جدی میان گزاره‌های اثباتی و دستوری، هیچ رابطه‌ای را میان آنها نمی‌پذیرند. طبق نظریه گیوتین هیوم، چون «بایدها» و «نبایدها» را نمی‌توان از «هست‌ها» و «نیست‌ها» استنباط کرد، بنابراین ارتباطی میان گزاره‌های اثباتی و دستوری وجود ندارد. در مقابل، اندیشمندان دیگری همچون گالبرایت^۳ و میردال^۴، بی‌ارتباطی اقتصاد اثباتی و دستوری را امری مصنوعی

1. Hume. D.

2. Andrew M. Yuengert.

3. Galbraith, J. K.

4. Myrdal, K. G.

و غیرواقعی قلمداد می‌کنند. (دادگر، ۱۳۸۴: ۱۹۱) فریدمن نیز اقتصاد اثباتی را مستقل از هرگونه موضع‌گیری اخلاقی می‌داند، اما اقتصاد دستوری را نیازمند به اقتصاد اثباتی دانسته و چگونگی این ارتباط را نیز تشریح کرده است. (بیدار، ۱۳۹۷: ۱۲۶)

واقعیت آن است که رابطه دوسویه‌ای میان اقتصاد اثباتی و دستوری وجود دارد. گزاره‌های دستوری، رفتارهای اقتصادی را شکل می‌دهند. سپس اقتصاد اثباتی به مطالعه رفتارهای مزبور می‌پردازد. اقتصاد دستوری نقش موضوع‌سازی را برای اقتصاد اثباتی ایفا می‌کند. بنابراین اگر رفتارهای اقتصادی نباشند، اقتصاد اثباتی نیز شکل نمی‌گیرد. اقتصاد دستوری چون مولد رفتارهای اقتصادی است، بر اقتصاد اثباتی تقدم رتبی دارد. از سوی دیگر، تحلیل‌های اثباتی جزو لوازم تحقق اهداف اقتصاد دستوری به شمار رفته و نقش ابزارسازی برای اجرای سیاست‌های اقتصادی را بر عهده دارند.

۲. رابطه اقتصاد و اخلاق

اقتصاد از اخلاق جدا نیست و پیوند ناگسستنی دوسویه بین این دو دانش وجود دارد.

یکی از مبانی مهم جایگاه اخلاق در اقتصاد مقاومتی، جدایی‌ناپذیری اقتصاد از ارزش‌های اخلاقی است. اقتصاد و اخلاق، هم از نظر خاستگاه و منشأ شکل‌گیری، هم جایگاه نظری و اجرایی، و هم ظرفیت پویایی و سیستمی، ارتباطی ساختاری، دوطرفه و پایدار دارند. (دادگر، ۱۳۹۴: ۴۶) اخلاق، هم از منظر بنیان‌های فلسفی خود اقتصاد و هم از منظر رفتار کارگزاران و هم به لحاظ سیاست‌ها و نهادهای اقتصادی، پیوندهای ناگسستنی با اقتصاد دارد. (همان، ۷۳)

طرفداران جدایی اقتصاد از اخلاق، به‌خاطر درک نادرست از ماهیت گزاره‌های اقتصادی، قوانین اقتصادی را همانند قوانین طبیعی و از سنخ «هست‌ها» و «نیست‌ها» دانسته و بر اساس آن به عدم ارتباط اقتصاد با ارزش‌های اخلاقی - که از سنخ «بایدها» و «نبایدها» است - حکم می‌کنند. (معصومی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۴۸ - ۱۱۹) آنان از ماهیت رفتارشناختی علم اقتصاد و تأثیرپذیری رفتارهای اقتصادی انسان‌ها از ارزش‌های اخلاقی حاکم بر ذهنیات آنها غفلت کرده‌اند. بدیهی است که رفتارهای ارادی افراد از باورهای ذهنی و قلبی آنها نشئت می‌گیرد و ارزش‌های اخلاقی نقش ممتازی در شکل‌گیری باورهای انسانی ایفا می‌کند. بنابراین ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی در رفتارهای اقتصادی افراد جامعه تبلور می‌یابد؛ سپس به گزاره‌های علمی حاکی از رفتارهای مزبور نیز سرایت یافته و آنها را همانند خود رفتارها ارزشمند و ایدئولوژیک می‌سازد؛ (نظری و بیدار، ۱۳۹۸، ۱۸۴ - ۱۶۵) به‌طور نمونه، «حداکثرسازی مطلوبیت» یا «حداکثرسازی سود» که از امور ارزشی هستند و ریشه در لذت‌گرایی و اصالت نفع شخصی دارند، چنانچه در ذهن مردم نهادینه شوند، تمام رفتارهای اقتصادی در عرصه‌های تولید، سرمایه‌گذاری و مصرف،

براساس آنها شکل خواهد گرفت (معصومی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۴۸ - ۱۱۹) و تمامی نظریات علمی مربوط به آنها از بار ارزشی برخوردار خواهد بود.

مستندات تاریخی نشان می‌دهد که دانش اقتصاد در بسیاری از مقاطع تاریخی، یک رشته علمی مستقل نبوده، بلکه مدت‌های مدیدی شعبه‌ای از اخلاق محسوب می‌شده است. (سن، ۱۳۷۷: ۲) از زمان ارسطو^۱ تا اوایل قرن بیستم، بین دو علم اخلاق و اقتصاد، رابطه طولی برقرار بوده و اخلاق در مرتبه‌ای بالاتر از اقتصاد قرار داشته است. یونگرت می‌گوید: «برای اقتصاددانان حتی تا اواخر قرن نوزدهم بسیار طبیعی بود که زمینه کاری خود را به همان سبک مرتبط با اخلاق بدانند». (یونگرت، ۱۳۸۶: ۱۸۰ - ۱۴۹)

گزاره‌های دستوری اقتصاد پای اخلاق را به اقتصاد می‌کشاند؛ زیرا هیچ تصمیم‌گیری معقول نمی‌توان یافت که عاری از قضاوت‌های ارزشی باشد. تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. آمارتیا سن^۲ مهم‌ترین عامل تضعیف اقتصاد مدرن را فاصله‌گیری آن از اخلاق دانسته (سن، ۱۳۷۷: ۸) و می‌گوید: «اقتصاد رفاه می‌تواند اساساً با بذل توجه بیشتری به اخلاق تقویت شود. مطالعه اخلاق نیز می‌تواند از تماس نزدیک‌تر با اقتصاد بهره‌مند شود». (همان، ۹۹)

از آنجاکه اقتصاد یک علم اجتماعی است و انسان اقتصادی، کسی است که پیوسته با افراد دیگر و موجودات پیرامون در تعامل متقابل قرار دارد، مطالعه رفتار اقتصادی وی نمی‌تواند تنها بر اساس «اصل خواسته‌های مستقل» تبیین شود. در مطالعه رفتارهای اقتصادی انسان ضرورت دارد نیازها و تمایلات دیگران نیز لحاظ شود. روشن است دیگرگروی، انسان اقتصادی را با چالش‌های اخلاقی مواجه می‌سازد. علاوه بر آن، اصل خواسته‌های مستقل نیز به معنای استقلال رفتارهای فردگرایانه انسان با اخلاق نیست و با فرض پذیرش اصل مذکور، نیاز فعالیت‌های اقتصادی به آموزه‌های اخلاقی منتفی نمی‌گردد؛ زیرا وسعت دامنه آموزه‌های اخلاقی، شامل فعالیت‌های فردی نیز می‌گردد.

شایان ذکر است که مطالعات علمی متعددی، بر آثار عملی و کارکردی مثبت ارزش‌های اخلاقی بر فعالیت‌های اقتصادی، تأکید دارند. مؤسسات اقتصادی و فضاهای کسب و کار، با رعایت ملاحظات اخلاقی به نتایج عملی مهمی دست یافته و سرمایه‌گذاری‌های وسیعی را برای تقویت اخلاق و اقتصاد کاربردی انجام داده‌اند. (دادگر، ۱۳۹۴: ۲۲۱)

گفتنی است چنانچه اخلاق و اقتصاد متعارف را بی‌ارتباط بدانیم، این تفکر به‌یقین در اقتصاد اسلامی اعتبار ندارد. از دیدگاه اسلام تمامی رفتارهای اقتصادی باید کاملاً تحت تأثیر ارزش‌های اخلاقی باشند و با هدف تهذیب و تزکیه نفس صورت گیرند؛ به‌طور نمونه، خداوند متعال هدف از پرداخت زکات را تطهیر

1. Aristotle.

2. Amartia Kumar Sen.

و تزکیه نفسانی زکات‌دهنده بیان کرده است. (توبه / ۱۰۳) بنابراین تأثیر اخلاق و اقتصاد بر یکدیگر، دوسویه است؛ همان‌گونه که فضیلت‌های اخلاقی بر سالم‌سازی اقتصاد تأثیرگذارند، رفتارهای اقتصادی مطلوب اسلام نیز در پاک‌سازی روحی و اخلاقی نقش بسزایی دارند. (ایروانی، ۱۳۸۴: ۳۲)

۳. طراحی اقتصاد مقاومتی بر مبنای فرهنگ اسلامی

نتایج اقتصاد مقاومتی، تنها در سایه التزام به فرهنگ اسلامی امکان‌پذیر است. آموزه‌های اخلاقی اسلام نقش ممتازی در تربیت اقتصادی انسان‌ها دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان از اخلاق اسلامی به‌عنوان دست‌نمائی برای حل بسیاری از مشکلات اقتصادی، ازجمله مسئله شکست بازار نام برد. (معصومی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۴۸ - ۱۱۹) دین اسلام ماهیتی جامع، متحد و سیستمی دارد و از نظام فرهنگی و سیاسی مترقی برخوردار است. بنابراین برای طراحی اقتصاد مقاومتی مطلوب در کشور باید ارزش‌ها و موازین اسلامی، مبنای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی قرار گیرد. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «مواد و مفاهیم اساسی‌ای که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و دیگر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم». (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۸/۸)

بدیهی است چنانچه اقتصاد مقاومتی بر اساس قوانین و ادبیات اقتصاد سرمایه‌داری پایه‌ریزی شود، موفقیت عملی چندان نخواهد داشت؛ زیرا روح حاکم بر اقتصاد سرمایه‌داری با لوازم اقتصاد مقاومتی همخوانی ندارد و طبق فرمایش مقام معظم رهبری، نظریه‌پردازی‌های غربی در چنین زمینه‌هایی نظریه‌هایی ناقص، عقیم و بی‌خاصیت هستند. (همو، ۱۳۹۰/۶/۲). بنابراین تا زمانی که خاستگاه فرهنگ اقتصاد کشور بر پایه مفاهیمی همچون «سودمحوری مادی»، «سرمایه‌مداری» و «تکاثرگرایی» باشد و کارشناسان و مدیران اقتصادی مبنای اقتصادی مزبور را اصولی خدشه‌ناپذیر تلقی کنند، اقتصاد مقاومتی اسلامی محقق نخواهد شد. برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی اسلامی، لازم است تعاریف، سیاست‌ها، قوانین، ساختارها، ضوابط و مدیریت اقتصادی، بر اساس فرهنگ و سیاست اسلامی منبعث از قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم‌السلام)، طراحی و عملیاتی گردد.

د) آموزه‌های اخلاقی اسلام و اقتصاد مقاومتی

عوامل مختلفی در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش دارند؛ برخی به شرایط طبیعی اقتصاد، و برخی دیگر به مسائل حقوقی کشور مربوط می‌گردند. دراین‌میان نباید از نقش سازنده عوامل اخلاقی غفلت کرد؛ زیرا ذات واژه «مقاومت» بدون ارزش‌های اخلاقی معنی ندارد. اگر کارگزاران اقتصادی از اخلاق مقاومتی

برخوردار نباشند، نمی‌توانند با صرف اطلاع از شرایط طبیعی و قوانین حقوقی، مجریان مناسبی برای اقتصاد مقاومتی باشند. رعایت موازین اخلاقی در حوزه‌های اقتصادی، هم از طرف مردم و هم از جانب دولتمردان، سهم مؤثری در تحقق اقتصاد مقاومتی دارد که به پاره‌ای از آنها پرداخته می‌شود.

۱. انگیزه جهادی

منابع دینی بر قداست جهاد تأکید، و آن را یکی از درهای بهشت برای اولیای خاص الهی معرفی کرده‌اند. (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ ق، خطبه ۲۷) در گفتمان قرآنی و روایی، جهاد در راه خدا نوعی تلاش با انگیزه الهی، مخلصانه، تقابلی، جهشی، مستمر، همه‌جانبه و هوشمندانه است. (رجایی، ۱۴۰۱، ۱۲۷ - ۱۰۷)

گام اول در تحقق اقتصاد مقاومتی، انجام حرکت‌های جهادی در تمامی حوزه‌های اقتصادی، توسط مردم و مسئولان است. مقام معظم رهبری روحیه جهادی را به «کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه ظرفیت وجودی و ذهنی» تعریف، (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴) و آن را اولین لازمه برای تحقق اقتصاد مقاومتی معرفی کرده است. (همو، ۱۳۹۰/۰۱/۰۱)

اگر کیان اسلامی با خطر حمله دشمن مواجه باشد، بر همگان واجب است در حد توان خودشان جهاد کنند. تاریخ اسلام نشان داده است هرچا انگیزه جهادی در میان مسلمانان وجود داشته، فتح و نصرت الهی نیز نصیب آنان شده است. جهاد در هر عرصه‌ای باید متناسب با خطر عرصه مزبور باشد. همان‌گونه که بدون انگیزه جهادی نمی‌توان در مقابل تهاجم نظامی دشمن پیروز شد، در صحنه اقتصادی نیز بدون مجاهدت‌های لازم نمی‌توان به موفقیت دست یافت.

لازمه حرکت جهادی، تربیت توحیدی است. در تربیت توحیدی، همه اعضا و جوارح انسان، موهبت الهی به شمار می‌رود و شکر آنها با استفاده دقیق و صحیح از آنها محقق می‌گردد. تربیت توحیدی با بیکاری، ائتلاف منابع، بی‌سوادی، بی‌تدبیری و فقر سازگار نیست. تربیت توحیدی، توکل به خداوند را در انسان ارتقا می‌دهد و در نتیجه، انسان را به قدرت بی‌پایان الهی وصل کرده، از طریق انگیزه انسانی، رفتارها را متأثر می‌سازد و سرانجام، ساختارها و نهادها را دگرگون کرده، بر رشد و پیشرفت اقتصادی تأثیر می‌گذارد. (رجایی، ۱۴۰۱، ۱۲۷ - ۱۰۷)

انگیزه جهادی مقوله‌ای اخلاقی است و با تصویب قوانین و مقررات، حاصل نمی‌گردد. این انگیزه که در سایه ایمان به مبدأ و معاد تقویت می‌گردد، نقش مهمی در تحقق اقتصاد مقاومتی دارد. انگیزه جهادی، دایره منافع انسان مجاهد را از حصار تنگ منافع مادی آزاد کرده، او را به جلب منافع اخروی و قرب الهی ترغیب می‌کند. انسان مجاهد، در قبال شکوفایی تولید داخلی حساسیت و غیرت دارد و افزایش آن را وظیفه دینی خود می‌داند. فرد جهادگر، در مقوله مصرف، از اسراف و تبذیر اجتناب، و به مصرف اعتدالی اکتفا می‌کند و

در عرصه عدالت توزیعی، محرومان جامعه را از محصول فعالیت‌های تولیدی خود بهره‌مند می‌سازد. انگیزه جهادی که با معیارهای «خلوص و قصد قربت»، «تلاش مستمر و کار مضاعف» و «استقامت و پایداری»، و شاخص‌هایی همچون «پاکدستی مسئولان»، «درجه خودباوری و اعتماد به نفس جامعه»، «شاخص بهبود محیط کسب و کار» و «میزان فعالیت تکلیف‌مدارانه به کل فعالیت اقتصادی»، سنجیدنی است، (همان) از طریق مؤلفه‌های «رویکرد جهادی»، «عدالت‌طلبی»، «فسادستیزی»، «درون‌زایی» و «اصلاح الگوی مصرف»، بر اقتصاد مقاومتی، اثرگذاری مثبت می‌کند.

۲. عدالت

آموزه‌های دینی، عدالت را اساسی‌ترین اصل زندگی دینی دانسته‌اند. قرآن به رعایت عدالت در تمامی شئون زندگی مانند معامله با مردم (هود / ۸۵)، نوشتن قراردادهای مالی (بقره / ۲۸۲) و سخن گفتن (انعام / ۱۵۲) دستور می‌دهد. احادیث معصومین علیهم‌السلام نیز بر رعایت عدالت تأکید دارند. حضرت علی علیه‌السلام عدالت را محکم‌ترین شالوده (آقاجمال، ۱۳۶۶: ۷ / ۲۳۶) و مایه قوام مردم و زینت حکمرانان معرفی کرده است. (تمیمی، ۱۳۶۶: ۳۴۰)

عدالت در منابع دینی در دو معنای کلی «اعطاء کل ذي حق حقه» (کلینی، ۱۴۲۹: ۲ / ۷۲۳) و «وضع کل شيء في موضعه» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۴۲۹) تعریف شده است. اندیشمندان مسلمان، همین تعبیر را در تعریف عدالت ملاک قرار داده‌اند؛ به‌طور نمونه، شهید مطهری می‌گوید: «عدالت عبارت است از اینکه آن استحقاق و آن حقی که هر بشری به‌موجب خلقت خودش و به‌موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است، به او داده شود». (مطهری، بی‌تا: ۲۵۹)

عدالت، نیروی باطنی و ملکه اخلاقی موجود در نفس انسان است که او را به انجام فضایل ترغیب کرده، از ارتکاب رذایل اخلاقی باز می‌دارد. عدالت نه‌تنها خود یک فضیلت اخلاقی است، بلکه ملاک سایر فضایل اخلاقی بوده، در بطن تمامی آنها به‌عنوان یک اصل حاکم خدشه‌ناپذیر حضور دارد. (بهاری، ۱۳۸۳: ۹۹ - ۷۸)

رعایت عدالت، آثار بسیار مثبتی در پیشرفت اقتصادی دارد. یکی از آثار عدالت در حوزه مصرف این است که فرد در مصارف خود از تحمیل عوارض منفی به جامعه و محیط زیست اجتناب می‌کند (معصومی‌نیا و سبحانیان، ۱۳۹۱: ۲۸ - ۵) و بدین‌ترتیب، زمینه استخدام منابع عمومی را برای امور رفاهی جامعه فراهم می‌سازد. در حوزه تولید نیز رعایت عدالت، از بروز آثار جانبی منفی جلوگیری می‌کند و بلکه عامل مهمی در ایجاد آثار خارجی مثبت محسوب می‌گردد.

عدالت، اصلی‌ترین شعار اقتصاد اسلامی است. در اقتصاد اسلامی تمامی کارگزاران اقتصادی، اعم از خانوارها، بنگاه‌ها و دولت، موظف به اجرای عدالت اقتصادی هستند. اقتصاد مقاومتی نیز اقتصادی عدالت‌محور است و عدالت‌طلبی، اصلی‌ترین مؤلفه آن محسوب می‌گردد. سیاست‌ها و طرح‌های اقتصاد مقاومتی، بدون پیوست عدالت، معنی ندارند. دولت می‌تواند با برقراری عدالت اقتصادی، بستر مناسبی برای اقتصاد مقاومتی فراهم سازد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

یک. توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های اقتصادی

یکی از مصادیق عدالت اقتصادی، توزیع عادلانه فرصت‌های تولید، در مرحله مرحله پیش از تولید در بین افراد جامعه است. توزیع عادلانه فرصت‌ها از وقوع بسیاری از آسیب‌های درونی اقتصاد مقاومتی مانند شکاف طبقاتی، رانت‌خواری و مفاسد اقتصادی جلوگیری می‌کند و از طرف دیگر با ایجاد فضای رقابتی سالم، موجب افزایش تولید داخلی می‌گردد. بنابراین چرخش عادلانه سرمایه‌ها و امکانات معیشتی، از عوامل بنیادینی مهمی است که قوام و استحکام اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و دفاعی را پدید می‌آورد.

دو. عدالت و محرومیت‌زدایی

توزیع اولیه فرصت‌های تولیدی به شکل عادلانه، مایه تحقق بسیاری از لوازم اقتصاد مقاومتی است؛ اما در هر جامعه‌ای افرادی وجود دارند که به دلایل مختلف، نمی‌توانند از فرصت‌های تولیدی پیش‌آمده بهره‌برداری کنند و در نتیجه از امکانات اقتصادی و رفاهی محروم می‌گردند. اقتصاد اسلامی برای رفع محرومیت این افراد، سیاست توزیع مجدد ثروت‌ها و منابع را پیش‌بینی کرده است. از این‌رو دولت باید محرومیت‌زدایی را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده، درباره رفاه اقشار ضعیف و کم‌درآمد، اقدامات مناسب‌تری انجام دهد. این امر علاوه بر اشتغال‌زایی در مناطق محروم، اعتماد مردم را به دولت اسلامی نیز افزایش می‌دهد و خطرپذیری نظام اقتصادی کشور را می‌کاهد؛ زیرا مناطق محروم بستر مناسبی برای چالش‌های اقتصادی و اجتماعی هستند و دشمنان می‌توانند با سرمایه‌گذاری بسیار اندک به تطمیع ساکنان چنین مناطقی بپردازند و علاوه بر مشکلات اقتصادی، مشکلات امنیتی و سیاسی نیز بر کشور تحمیل کنند.

سه. عدالت و توسعه پایدار

یکی دیگر از وجوه عدالت اقتصادی در حوزه تولید، تناسب استفاده از منابع طبیعی با استحقاق‌های هر نسل و رعایت حقوق نسل‌های آینده است. شایان ذکر است توجه به توسعه پایدار و رعایت عدالت

بین‌نسلی، یکی از ملزومات اقتصاد مقاومتی است؛ زیرا اقتصاد مقاومتی نمی‌تواند فقط ناظر بر وضعیت معیشتی نسل کنونی باشد و از اوضاع زندگی اقتصادی نسل‌های بعدی غفلت کند. بی‌توجهی به عدالت بین‌نسلی، شکنندگی اقتصاد را به همراه دارد.

۳. صداقت

صداقت، یکی از فضایل مهم اخلاقی است و تأثیر زیادی بر پیدایش اعمال نیک انسانی دارد. صداقت به معنی هماهنگی و مطابق بودن ظاهر و باطن انسان است؛ یعنی انسان آنچه را که در دل خود باور دارد، بر زبان و کردار خویش جاری نماید و از نفاق و دورویی اجتناب کند.

حضرت علی علیه السلام صداقت را ستون اسلام و قوی‌ترین پایه ایمان معرفی کرده است. (تمیمی، ۱۳۶۶: ۲۱۸) امام صادق علیه السلام نیز عزت انسان را در صداقت او می‌داند (کلینی، ۱۴۲۹: ۱ / ۲۶) و صداقت در گفتار را عامل پاکی کردارهای انسان معرفی می‌کند. (همان: ۲ / ۱۰۴)

صداقت پایه‌های پیشرفت معنوی و مادی در جامعه را تشکیل می‌دهد. اگر افراد جامعه صداقت نداشته باشند، نمی‌توانند اعتماد یکدیگر را جلب کنند. در این صورت، یکدیگر را متهم به خیانت کرده، زمینه همکاری‌های اجتماعی را از دست خواهند داد. در مقابل، رفتارهای صادقانه موجب جلب اعتماد افراد به یکدیگر شده، همکاری آنان را در پی خواهد داشت.

صداقت از دو منظر، قابلیت ورود به ادبیات اقتصادی را دارد: یکی اینکه صداقت به‌عنوان یک امر اخلاقی، ویژگی رفتار عوامل بازار در نظر گرفته شود که در این صورت در زمره اخلاق کسب و کار به‌عنوان بخشی از اخلاق کاربردی قرار می‌گیرد؛ در نگرش دیگر، صداقت به معنای شفافیت است که ویژگی ساختار بازار به‌مثابه یک پدیده بیرونی است و در زمره مفاهیم مرتبط با اقتصاد اطلاعات^۱ محسوب می‌گردد. (خدیوی، ۱۳۹۲: ۱۵۶ - ۱۲۹) گفتنی است بر اساس هر دو نگرش مزبور، پیشرفت اقتصادی بدون صداقت، دست‌نیافتنی است. اقتصاد مقاومتی نیز به صداقت در رفتارهای اقتصادی نیازمند است. این موضوع در دو بخش صداقت مسئولان اقتصادی و صداقت مردم، بررسی می‌گردد.

اگر دولتمردان اقتصادی در مقام عمل، صداقت خود را به مردم نشان دهند، اعتماد آنان را جلب خواهند کرد. در نتیجه مردم، دولت را در تحقق برنامه‌های اقتصاد مقاومتی همراهی خواهند کرد؛ ولی اگر مردم، شاهد بدقولی‌های مسئولان باشند، دولت را در اجرای برنامه‌های اقتصادی تنها می‌گذارند و حتی برخلاف خواسته‌های دولت، عمل خواهند کرد؛ زیرا انتظارات عقلایی مردم از آینده، یکی از عوامل مؤثر بر رفتارهای اقتصادی آنان می‌باشد که خوش‌بینی و بدبینی به عملکرد دولت، نقش تعیین‌کننده‌ای در آن

ایفا می‌کند. مسئولان اقتصادی می‌توانند با سرلوحه قرار دادن صداقت، اعتماد مردم را به برنامه‌های اجرایی اقتصاد مقاومتی افزایش داده، از مشارکت مردمی که رکن اساسی اقتصاد مقاومتی است، بهره‌مند گردند. نوع دیگری از صداقت که نقش مهمی در تحقق اقتصاد مقاومتی دارد، به بخش تولید مربوط می‌گردد. صداقت تولیدکنندگان موجب افزایش تولید کالاهای باکیفیت داخلی می‌شود و این امر منجر به جلب اعتماد عمومی خریداران شده، مصرف کالاهای داخلی را افزایش می‌دهد. چنین کالاهایی بازار خودشان را در تجارت جهانی نیز پیدا می‌کنند و در نتیجه، سطح صادرات افزایش می‌یابد. افزایش نسبی مصرف کالاهای داخلی بین مردم و افزایش صادرات، هر دو موجب شکوفایی تولید ملی می‌شود و در نهایت زمینه‌ساز اقتصاد مقاومتی خواهد بود؛ اما اگر تولیدکنندگان به تولید کالاهایی با کیفیت پایین یا کالاهای تقلبی پرداخته و معایب کالاهایشان را به‌طور موقتی، پوشیده نگه دارند، نه تنها بازارهای جهانی را از دست می‌دهند، در بازار داخل نیز مشتریان چندانی نخواهند داشت. چنین کاری ضربه بزرگی بر تولید داخلی وارد می‌کند و مانع بزرگی در مسیر اقتصاد مقاومتی است. دولت می‌تواند با فرهنگ‌سازی صداقت، و نظارت مؤثر مستمر بر کیفیت محصولات تولیدی، زمینه افزایش صادرات را هموارتر کند و از این طریق (برون‌نگری و ارزآوری) عملیاتی‌تر شدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را تسریع بخشد.

۴. صبر

فضیلت اخلاقی صبر، کاربردهای گسترده‌ای در زندگی انسان دارد. خداوند متعال ضمن اظهار دوستی و همراهی با صابران، آنها را تشویق کرده است. (انفال / ۴۶؛ آل عمران / ۱۴۶) پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نیز بر اهمیت صبر تأکید کرده‌اند؛ به‌طوری‌که ارتباط صبر با ایمان مانند رابطه سر با بدن معرفی شده است. (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۷۹) صبر در لغت به معنای تحمل سختی، محدودیت و امساک، (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴۳۸) و در علم اخلاق عبارت است از ثبات نفس، اطمینان و اضطراب نداشتن در مصیبت‌ها؛ به‌گونه‌ای که انسان آرامش خود را از دست ندهد. (نراقی، ۱۳۸۳: ۳ / ۲۸۰)

در اخلاق اسلامی، صبر در برابر مصیبت، یکی از اقسام سه‌گانه صبر (کلینی، ۱۴۲۹: ۲ / ۹۱) و همچنین یکی از مراحل سه‌گانه کمال (همان: ۱ / ۳۲) معرفی شده است. تأکید آموزه‌های دینی بر صبر در مقابل مشکلات زندگی، حاکی از اهمیت این صفت اخلاقی در ابعاد فردی و اجتماعی است. با توجه به اینکه عرصه اقتصادی، یکی از عرصه‌های مهم زندگی افراد و جوامع انسانی است و مشکلات و فشارهای مختلفی در این حوزه بر انسان‌ها وارد می‌شود، راه مقابله با چنین مشکلاتی، صبر و مقاومت در برابر آنهاست. از این‌رو زمانی که اقتصاد کشور اسلامی با تحریم‌های ظالمانه دشمنان مواجه شده باشد، مردم مسلمان و متدین باید با بهره‌گیری از اخلاق اسلامی و نهادینه کردن صبر و تحمل مشکلات ناشی

از تحریم‌ها نقشه‌های شوم دشمنان را باطل سازند. تاریخ اسلام نمونه‌های روشنی از تلاش‌های صبورانه امت اسلامی را در خود ثبت کرده که صبر مثال‌زدنی مسلمانان در محاصره اقتصادی شعب ابی‌طالب، یکی از آنهاست.

مفهوم اخلاقی صبر از دو جهت با اقتصاد مقاومتی رابطه مثبت دارد. یکی اینکه در شرایط تحریم، کالاهای وارداتی در داخل کشور با کمبود مواجه شده، طبیعتاً با قیمت گران‌تری عرضه می‌شوند. صبر و بردباری مصرف‌کنندگان در مقابل این فشار اقتصادی که در قالب زهد، قناعت و مصرف غیرمصرفانه تحقق می‌یابد، زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی را از طریق مؤلفه اصلاح الگوی مصرف فراهم می‌کند. جهت دیگر رابطه صبر با اقتصاد مقاومتی، به افزایش تولید داخلی و بومی‌سازی دانش و فناوری‌ها مربوط می‌گردد. در صورت تحریم واردات کالاهای خارجی، نیاز مردم و وجود تقاضا باعث می‌شود تولیدکنندگان داخلی به فکر تولید کالاهای مزبور بیفتند. این امر، تکیه بر اقتصاد داخلی را افزایش می‌دهد و از طریق مؤلفه درون‌زایی، اقتصاد مقاومتی را شکل خواهد داد.

۵. مواسات

مواسات به معنای مشارکت دادن دیگران، به‌ویژه برادران دینی در امر معاش و رزق است (طریحی، ۱۴۱۶ ق: ۱ / ۲۸) که در شرایط اضطراری، واجب، و در شرایط غیراضطراری، مستحب است. (معصومی‌نیا و سبحانیان، ۱۳۹۱: ۲۸ - ۵) برخی گفته‌اند که مواسات باید از حد و قدر کفاف باشد، نه از مقدار زاید بر کفاف. (طریحی، ۱۴۱۶ ق: ۱ / ۲۸) روایات معصومین علیهم‌السلام مواسات را بهترین احسان تعبیر کرده‌اند. (آقاجمال، ۱۳۶۶: ۲ / ۴۰۳) مواسات اقتضا می‌کند چنانچه در بازار مسلمین کالایی با کمبود مواجه شد، مسلمانان مازاد بر نیاز آن کالا را که در خانه دارند، به قیمت متعارف بازاری در معرض فروش قرار دهند، نه اینکه خودشان نیز مقادیر بیشتری از آن را خریداری کنند که به گران‌تر شدن همان کالا دامن زده شود.

در زمان امام صادق علیه‌السلام در مدینه خشک‌سالی شد و گندم و جو کمیاب گردید. حضرت به‌جای آنکه مانند دیگران به خرید بیشتر گندم و جو از بازار اقدام کنند، به غلام خود دستور دادند هرآنچه از گندم و جو در خانه داشتند، به بازار ببرد و همه را بفروشد و سپس همانند مردم، مقدار مورد نیاز روزانه را خریداری کند. (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۵ / ۱۶۶)

سماعه از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد: گروهی سیر هستند و علاوه بر مخارج خود، ثروتی گرد آورده‌اند؛ ولی برادران مسلمانشان به‌شدت احتیاج دارند و زکات هم برای آنها کفاف نمی‌کند. آیا رواست آنها سیر باشند درحالی‌که برادرانشان در این روزگار سخت گرسنه هستند؟ امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «مسلمان برادر

مسلمان است؛ نباید به او ستم کند؛ نباید او را تنها گذارد و خوارش کند و نباید او را محروم سازد. پس بر مسلمانان لازم است که در برادری و برابری باهم کوشا باشند و بر کمک و رسیدگی به همدیگر و یاری نیازمندان اهتمام ورزند و طبق فرمان خدا با یکدیگر مهربان و بخشاینده باشند». (همان، ۷ / ۳۳۰)

صفت اخلاقی مواسات در صورت فراگیری می‌تواند نقش یک سپر دفاعی قدرتمند را در برابر تحریم‌های اقتصادی ایفا کند؛ زیرا اگر روحیه مواسات و همدردی با دیگران در جامعه قوی‌تر شود، بازار با بحران و کمبود مواجه نمی‌گردد و در نتیجه، هیچ فقری از دستیابی به کالاهای مورد نیازش محروم نمی‌شود. چنین روحیه‌ای، امید دشمنان را به یأس تبدیل می‌کند؛ چراکه اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر هر جامعه‌ای همواره ابزار و گروه‌های هدف مناسبی برای دشمنان جهت شوراندن آنها بر ضد نظام حاکم هستند. صفت اخلاقی مواسات چنین توطئه‌هایی را خنثی می‌کند؛ زیرا مواسات باعث می‌گردد فشارهای تحمیل‌شده بر اقتصاد جامعه به نسبت مساوی در بین همگان تقسیم شود و فشار آن فقط بر اقشار آسیب‌پذیر نباشد. در چنین وضعیتی، مقاومت در برابر تحریم‌ها افزایش می‌یابد و اقتصاد مقاومتی می‌تواند با امید و انگیزه و فرصت بهتر و بیشتری به سمت فتح قله‌های پیشرفت حرکت کند.

۶. مصرف اعتدالی

مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است. مدیریت مصرف، بیشتر در مصرف اعتدالی نمود پیدا می‌کند که حد میانه اسراف و اقتار است. قرآن کریم از چنین مصرفی به «قوام» تعبیر کرده و رعایت آن را از اوصاف عباد الرحمن برشمرده است. (فرقان / ۶۷) خداوند اسراف و تبذیر را که با مصرف اعتدالی منافات دارند، حرام کرده است. قرآن، تبذیرکنندگان را برادران شیطان معرفی کرده (اسراء / ۲۷) و از دشمنی خداوند با اسراف‌کاران سخن گفته است. (اعراف / ۳۱)

رابطه مصرف اعتدالی با اقتصاد مقاومتی بسیار روشن است؛ هنگامی که فرهنگ مصرفی حاکم بر جامعه با رویکرد اسراف و اتلاف باشد، منابع آن جامعه به دلیل کمیابی نسبی نمی‌تواند جواب‌گوی میل فزون‌خواه افراد باشد و این امر بسیاری از مفاسد اقتصادی مانند، رانت‌خواری، اختلاس، دزدی و خیانت را به دنبال دارد. ازسوی دیگر، وجود چنین روحیه‌ای، نشان دادن ضعف داخلی به دشمنان خارجی است و آنها می‌توانند با تحریم واردات، چنین مصرف‌کنندگانی را تحت فشار اقتصادی قرار دهند. بنابراین اصلاح الگوی مصرف نه تنها اقتصاد را در مقابل آسیب‌های بیرونی بیمه می‌کند، از گسترش آسیب‌های درونی نیز که ناشی از برخی رذیلت‌های اخلاق اقتصادی همچون اسراف، تبذیر و اشرافی‌گری است، ممانعت می‌کند. همچنین مصرف اسرافی و تبذیری باعث اختلال در فرایند انباشت سرمایه کشور، و مانع رسیدن رشد اقتصادی به حد مطلوب می‌شود؛ زیرا مصرف نامتعادل خانوارها که عمدتاً به کالاهای تجملی و وارداتی مربوط می‌گردد، فرایند انباشت

سرمایه‌های خرد را مختل می‌کند. هر اندازه درآمد خانوارها به مصرف کالاهای تجملاتی و خارج از نیاز متعارف اختصاص یابد، به همان میزان از حجم پس‌انداز آنان کاسته می‌شود. در نتیجه، پس‌انداز کل، کاهش می‌یابد که کاهش سرمایه‌گذاری و به تبع آن کاهش تولید را به همراه دارد.

مصرف اعتدالی، دو اثر مهم در رفتار مصرفی سطح کلان دارد: یکی از آنها کاهش مخارج تجملی طبقه‌های با درآمد بالا، و دیگری، افزایش مصرف طبقه‌های با درآمد پایین، تا حد کفاف است. با توجه به اینکه میل نهایی فرد مسلمان به مصرف^۱ در سطح حداقل معیشت، برابر با یک، و در سطح اسراف برابر با صفر است، ثروتمندان به‌خاطر کمک به نیازمندان جامعه، مصارف تجملی و غیرضروری خود را کاهش می‌دهند. از سوی دیگر، نیازمندان چون میل نهایی به مصرف زیاد دارند، کمک‌های مالی ثروتمندان را برای رساندن مصرف خودشان به حد کفاف خرج کرده، از پس‌انداز و سرمایه‌گذاری آن اجتناب می‌کنند. با توجه به همسویی دو اثر مزبور می‌توان گفت که با حاکمیت ارزش‌های اخلاقی مرتبط با رفتار مصرفی، مصرف کالاهای ضروری و نیمه‌ضروری افزایش، و مصرف کالاهای تجملی کاهش می‌یابد. (معصومی‌نیا و سبحانیان، ۱۳۹۱: ۲۸ - ۵)

مدیریت مصرف، زمانی تحقق می‌یابد که الگوی مصرف به‌سمت الگوی مصرف اسلامی که همان مصرف اعتدالی است، حرکت کند و بدیهی است که اخلاق اسلامی نقش مؤثری در تحقق آن ایفا می‌کند. واقعیت آن است که برای جلوگیری از مصارف مسرفانه و هدررفت منابع ملی، نمی‌توان تنها به سیاست مکانیسم قیمت‌ها اکتفا کرد. دولت با افزایش مالیات یا وضع جریمه بر مصارف مسرفانه و قطع یارانه و بالا بردن قیمت تمام‌شده چنین کالاهایی، تا حدودی می‌تواند از اتلاف منابع جلوگیری کند، اما این کار به‌طور کامل نمی‌تواند موفقیت عملی داشته باشد؛ زیرا همواره افرادی وجود دارند که درآمد و ثروتشان به اندازه‌ای زیاد است که افزایش قیمت‌ها نمی‌تواند تغییری در سلیقه مصرفی آنان ایجاد کند. برای کنترل مصرف چنین افرادی، نیاز به فرهنگ‌سازی و یادآوری امور اخلاقی و مصرف اعتدالی است. اگر افراد به امور اخلاقی پایبند باشند و از درون، متحول شوند، ثروت و درآمد به هر میزان که زیاد باشد، آنها را از مسیر اعتدالی خارج نخواهد کرد.

۷. وجدان کاری

وجدان کاری^۲ یکی دیگر از فضایل اخلاقی است که ارتباط زیادی با فعالیت‌های اقتصادی و تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دارد. وجدان کاری که از آن به اخلاق کار نیز تعبیر می‌شود، به معنای گرایش درونی به انجام صحیح کار و وظایف شغلی، بدون هیچ‌گونه نظارت بیرونی است. پرکاری، انجام

1. Marginal propensity to consume.

2. Work Ethic.

بهتر کار، کنترل درونی و مسئولیت‌پذیری، از نشانه‌های وجدان کاری است و در مقابل، کم‌کاری، اهمال کاری، نظارت‌خواهی، ریاکاری و مسئولیت‌گریزی، از علایم ضعف آن به شمار می‌روند.

تردیدی در مطلوبیت اخلاقی و اقتصادی وجدان کاری وجود ندارد. کسی که وجدان کاری داشته باشد، همواره می‌کوشد یکایک فعالیت‌های اقتصادی‌اش را بدون عیب و نقص و در نهایت دقت و صداقت انجام دهد و آنها را به نتیجه مطلوب برساند. همچنین سعی می‌کند کارها با کمترین هزینه، بیشترین سودآوری و در مناسب‌ترین زمان صورت گیرد. وجدان کاری یکی از عوامل بهره‌وری است و در کنار عوامل دیگر، نقش اساسی در ارتقای بهره‌وری تولید دارد. بنابراین مفهوم اخلاقی وجدان کاری از طریق ارتقای کیفیت و کمیت تولیدات داخلی باعث تقویت اقتصاد مقاومتی می‌گردد و بدون چنین گرایش درونی در تولیدکنندگان و نیروی کار کشور، و تنها با اکتفا به نظارت‌های بیرونی، نمی‌توان کیفیت و کمیت تولید داخلی را ارتقا داد.

یکی از نمودهای بارز وجدان اخلاقی، در حساسیت مسئولان دولتی به مصرف بیت‌المال متبلور می‌شود. وجدان اخلاقی حکم می‌کند دولتمردان در صرف هزینه‌های دولتی، نهایت دقت را داشته باشند تا کارها با کمترین هزینه و بیشترین کارایی انجام شود. حضرت علی (ع) به کارگزاران خود می‌فرمودند: قلم‌های خود را نازک بتراشید، سطرها را نزدیک کنید، زیادی‌ها را بیندازید، در آوردن معانی صرفه‌جویی کنید و از زیاده‌روی بپرهیزید؛ زیرا اموال مسلمانان تحمل ضرر دیدن ندارد. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۱۷ / ۴۰۴) از این رو اگر کارشناس یا مسئولی احتمال می‌دهد که انجام یک پروژه اقتصادی، به دلیل پایین بودن سودآوری یا بالا بودن هزینه، توجیه اقتصادی ندارد، وجدان اخلاقی اقتضا می‌کند که بیت‌المال را در آنجا هزینه نکند؛ هرچند چنین پروژه‌ای برای وی و دیگران منافع شخصی داشته باشد. رعایت این نکته اخلاقی، رابطه تنگاتنگی با اقتصاد مقاومتی دارد؛ زیرا یکی از مؤلفه‌های اساسی اقتصاد مقاومتی، توجه به کارآفرینی مفید است، نه اشتغال‌زایی بیهوده. کارآفرینی مفید به معنای تخصیص بهینه منابع و سودآوری آنهاست که در این صورت، ائتلاف منابع صورت نمی‌گیرد و واقعاً سطح تولید داخلی افزایش می‌یابد. گفتنی است قوی‌ترین مانع در راه صرف بیت‌المال در پروژه‌های کم‌بازده یا بی‌بازده، همان وجدان اخلاقی است؛ وگرنه قوانین حقوقی و اقتصادی نمی‌توانند از وقوع چنین پدیده‌هایی، به‌طور کامل جلوگیری کنند.

نتیجه

حفظ نظام اسلامی ضرورتی انکارناپذیر است. از این رو هر زمانی که نظام اسلامی با خطر مواجه شود، باید در مقابل آن مقاومت کرد. مقاومت در برابر هر خطری، باید به تناسب همان خطر باشد. حربه‌های امروزی معمولاً وجهه اقتصادی دارند و دشمنان می‌کوشند با استفاده از ابزار تحریم و اعمال محدودیت

در تجارت بین‌المللی، بر اقتصاد نظام اسلامی ضربه وارد کنند. در چنین فضایی اقتصاد مقاومتی تنها راه خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان است.

برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، مردم و دولت اسلامی وظایف مهمی بر عهده دارند. وظایف مزبور در حوزه‌های مختلفی مانند سیاست داخلی و خارجی، اقتصاد، حقوق و مدیریت مطرح می‌شود. نکته مهم‌تر این است که نباید از نقش کلیدی اخلاق اسلامی در تحقق اقتصاد مقاومتی غفلت کرد. اخلاقی‌سازی، شرط لازم سلامت اقتصادی است و اقتصاد مقاومتی بدون توجه به اخلاقیات اسلامی، امری دست‌نیافتنی است.

این مقاله به‌منظور اثبات فرضیه ضرورت اخلاق‌مداری در اقتصاد مقاومتی، به نقش تأثیرگذار برخی آموزه‌های اخلاقی همچون عدالت، صداقت، مصرف اعتدالی، انگیزه جهادی، صبر و بردباری، وجدان کاری و موااسات در تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخته است. آموزه‌های اخلاقی دیگری هم در این راستا وجود دارند؛ موارد ایجابی مانند: انفاق، زهد، قناعت، مصرف تولیدات داخلی، نقدپذیری مسئولان و مجریان اقتصادی، نظم، و شجاعت؛ و موارد سلبی و ممنوعیت‌های اخلاقی مانند: احتکار، کنز سرمایه، گران‌فروشی، کم‌فروشی، فعالیت‌های سفته‌بازی و تولید و وارد کردن کالاهای بی‌کیفیت. هرکدام از این موارد، به نوعی با یک یا چند مؤلفه اقتصاد مقاومتی ارتباط دارند و از آن طریق می‌توانند سهم خود را در تبدیل اقتصاد کشور به اقتصاد مقاومتی ایفا کنند.

در نتیجه اقتصاد مقاومتی به‌عنوان تنها نسخه شفابخش اقتصادی، فقط با بهبود ساختارهای اقتصادی و حقوقی محقق نمی‌گردد؛ بلکه در کنار امور مزبور، باید به فرهنگ‌سازی اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی نیز توجه جدی داشت. چنانچه تمامی ساختارهای سه‌گانه اقتصادی و حقوقی و اخلاقی، متناسب با اهداف اقتصاد مقاومتی اسلامی طراحی و اصلاح شوند، می‌توان مقاومت اقتصاد کشور در برابر آسیب‌های درونی و بیرونی، و تبدیل امید دشمنان اسلام به یأس را نظاره کرد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). شرح آقاجمال‌الدین خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم. تهران: دانشگاه تهران.

- ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ایرانمنش، سعید، نورالله صالحی و سید عبدالمجید جلایی اسفندآبادی (۱۴۰۰). رتبه‌بندی تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نظر منتخبی از فعالان و دانش‌آموختگان اقتصاد بین‌الملل. *مجلس و راهبرد*. ۲۸ (۴). ۲۹۶ - ۲۵۷.
- ایروانی، جواد (۱۳۸۴). *اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- بهاری، محمدرضا (۱۳۸۳). اخلاق و آزادی در پرتو عدالت اخلاقی. *کتاب نقد*. ش ۳۰، ۹۹ - ۷۸.
- پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای: khamenei.ir
- بیدار، محمد (۱۳۹۷). *ماهیت اقتصاد اسلامی*، قم: رساله دکتری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- تمدن جهرمی، محمدحسین (۱۳۸۹). *گفتارهایی در زمینه اقتصاد، علوم اجتماعی و شناخت روش علم*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- خدیوی رفوگر، سعید (۱۳۹۲). سنجش و ارزیابی شاخص صداقت در بازار صنایع لبنی مشهد. *معرفت اقتصاد اسلامی*. ۲ (۴). ۱۵۶ - ۱۲۹.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۴). *درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد*. تهران: نشر نی.
- دادگر، یدالله (۱۳۹۴). *ابعاد اساسی در اخلاق و اقتصاد*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- رجایی، سید محمد کاظم (۱۴۰۱). درآمدی بر شاخص‌های اقتصاد مقاومتی. *معرفت اقتصاد اسلامی*. ۱۴ (۴). ۱۲۷ - ۱۰۷.
- ژکس (۱۳۶۲). *فلسفه اخلاق*. ترجمه ابوالقاسم پورحسینی. تهران: امیرکبیر.
- سن، آمارتیا کومار (۱۳۷۷). *اخلاق و اقتصاد*. ترجمه حسن فشارکی. تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه.
- شبر، سید عبدالله (۱۳۸۱). *الاخلاق*. ترجمه محمدرضا جباران. قم: هجرت.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ق). *مجمع البحرین*. تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ق). *الکافی*. قم: دارالحديث.
- مصباح، مجتبی (۱۳۸۲). *بنیاد اخلاق*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- مصباح، محمد تقی (۱۳۷۳). *دروس فلسفه اخلاق*. تهران: اطلاعات.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا). *سیری در سیره ائمه اطهار*. تهران: صدرا.
- معصومی‌نیا، غلامعلی (۱۳۸۶). اخلاق اقتصادی (مبانی بینشی، آموزه‌ها و آثار). *اقتصاد اسلامی*. ۷ (۲). ۱۴۸ - ۱۱۹.
- معصومی‌نیا، غلامعلی و سید محمد هادی سبحانیان (۱۳۹۱). تأثیر ارزش‌های اخلاقی اسلام بر تخصیص اقتصادی. *اقتصاد اسلامی*. ۱۱ (۴). ۲۸ - ۵.
- مک‌لپ، فریتز (۱۳۸۱). اقتصاد اثباتی و دستوری. ترجمه یدالله دادگر و محمدنقی نظرپور. *نامه مفید*، ۸ (۳). ۱۸۴ - ۱۵۱.
- نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۳). *جامع السعادات*. نجف: منشورات جامعة النجف الدینیه.
- نظری، حسن آقا و محمد بیدار (۱۳۹۸). ادله امکان‌پذیری علم اقتصاد اسلامی. *معرفت اقتصاد اسلامی*. ۱۱ (۴). ۸۴ - ۱۶۵.
- همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۴). *ایدئولوژی و روش در اقتصاد*. ترجمه م. قائد. تهران: نشر مرکز.
- یونگرت، اندرو ام (۱۳۸۶). تمایز اثباتی - هنجاری در علم اقتصاد و تقدم تاریخی آن بر تمایز واقعیت - ارزش. *اقتصاد اسلامی*. ترجمه علی نعمتی. ۷ (۲). ۱۸۰ - ۱۴۹.
- Hutchison, T. W. (1964). *Positive Economics and Policy Judgements*, Allen.